پرچم

دارنده و نویسنده کسروی تبریزی

بخامه آقای محمدعلی امام

چرا بدلیل گردن نگزاریم؟!

(٤)

آقای عدل. یک نگاه از پشت شیشه ها بدرون کتابخانه های طهران بیفکنید و ببینید بچه نامهائی برخواهید خورد!

دیوان لسان الغیب. دیوان سوزنی سمرقندی. دیوان سعدی. دیوان انوری دیوان یغما، دیوان قاآنی. خمسه نظامی حافظ چه میگوید. گلستان بغلی. شرح احوال عبید زاکانی. اشعار شبلی کرامات بایزید. مناجات خواجه نصیر. اسرار التوحید شرح حال جنید و هزار ها اینگونه نوشته ها.

آیا شرم آور نیست که اجزاء مشکله فرهنگ (کلتور) یک ملت اینها باشد؟ آیا جای دلسوزی نیست که جوانان، پس از تلف ساختن عمر و فرسودن مغز تنها سرمایه شان یک مشت از این بدآموزیهای عصور تاریکی و قرون وسطی گردد؟!

پس با توجه باین نکات از عنوانی که برای گفتار خود برگزیده اید انتظار بهتری نباید داشت.

اگر مقصودتان اینست که اکنون کمیسیونی برپا کنند و آنچه داریم بسنجش گذارند؛ چنانچه در آن کمیسیون فرضی ترازوئی برای تشخیص نیک و بد بکار نبرند سالها بدراز خواهد کشید و نتیجه‌ای بدست نخواهد آمد. و اگر ترازوی سود و زیان توده را با شرایطی که گفتم بکار برند نتیجه جز آنچه ما میگوئیم نیست.

آقای عدل. در آغاز گفتار پس از آنکه گواهی میدهند که زبونی و بدبختی ما زاده بدآموزیهای شاعران و پیشروان کیشها است میگویند:

ولی اعمال بد و بی رویه شاعران نباید عظمت و بزرگی گویندگان و نویسندگان با اخلاق و با اراده را نیز محو و نابود سازد. میگویم شما مانند بسیاری زیر تاثیر هیاهو واقع شده اید برای اینکه از این تاثیر اندیشه‌تان آزاد شود نخست میپرسم بزرگ کیست و بزرگی چیست؟ در نظر کوته بینان داشتن نام دراز و لقب مطنطن از قبیل زنبیل الدوله. خیک السلطنه و و ویا سرشناختگی میان مردم هر چند چون برادر حاتم طائی بیدی باشد یا داشتن ثروت بسیار اگر هم از راه غارت دیگران فراهم شده یا پایگاه بلند اداری اگر هم با حقه بازی و تشبث بآن رسیده و مانند اینها از نشانیهای بزرگی است اما شما میدانید بزرگ واقعی کسی است که بدرد های توده از راه درست درمان کند و در راه پیشرفت مقصد عالی خود از هیچکس و هیچ چیز پروا نداشته باشد؛ سود شخصی را منظور ندارد بلکه خود را در میانه نه بیند. بزرگ کسی است که در روز گرفتاری یک ملت قد مردانگی افرازد و توده ای را از بدبختی و زبونی رها کند.

با در نظر گرفتن این حقیقت آیا درمیان این صد ها گویندگان و بافندگان که از بزرگان ما میخوانند و بخیره کتابهای زهر آلودشان را مفاخر ملی می نامند باستثنای فردوسی کسی توانید پیدا کرد که شایسته عنوان بزرگی باشد؛ در این گفتار جای گفتگو از یکان یکانشان نیست. شما میتوانید بآثار آنان مراجعه کنید تا دریابید ما راست میگوئیم یا دروغ—.

شعر مسعود سعد سلمان را که مثل زده اید از حبسیات معروف او ست و میدانید این مرد نیز از ستایشگران و ریزه خواران در بار امراء بوده است منتهی چون بحکم سلطان ابراهیم غزنوی مدتها در بند زیسته و شکنجه زندان می چشیده از سوی دیگر محرومیت از نعیم مدیحه سرایان آن روزی او را برانگیخته اندیشه هائی را که برای هر زندانی دیگر ممکن است دست دهد برشته نظم کشد و پیداست در سرودن اینگونه سخنان جز وضعیت شخصی اش محرکی نداشته و پیرو یک ایده ال اخلاقی نبوده است پس چه جای دلبستن باین ها است؟

آقای عدل در سیاق عبارت بعد می گویند از اینها میتوان درس شهامت و مردانگی یاد گرفت. این هم اشتباه دیگری است زیرا شهامت و مردانگی وسایر خویهای ستوده از ایمان بیک راه راست برمیخیزد واز اندرزخنک بوزه در جائی که اندرز گو خود آلوده باشد وسخنان ضد یکدیگر گوید سودی بدست نیاید چه رسد بآنجا که پندسرا یکجا دم از شجاعت طبع و عزت نفس زند وجای دیگر ستایشگر این خان وان امیر گردد وداد دروغبافی و گزافه سازی دهد!!

اگر پند آموزی خشک میتوانست موجب ستودگی خویها شود جوان های ما ازاین بدآموزان و پیشوایان گمراه دیگرما پندهای بسیاری از بر کرده پس چرا در واقعه شوم شهریور آن رسوائی را بار آوردند؟ چرا دیگران که از اینگونه پند ها بگوششان نخورده در استالین گراد آن مردانگی معجزه آسا را مینمایند؟

آقای عدل. در پیشنهاد تشکیل کمیسیون مردم را تقسیم شگفتی کرده‌اند که هرچه اندیشه کردم نفهمیدم بنیاد این تقسیم از کجا است.

من با اینکه بفلسفه کهن و نوین آشنا واز روانشناسی اروپائی بی بهره نیستم مقصود ایشان را از اشخاص باذوق وحساس که عاری از خرد باشند (این معنی از تقسیم مستفاد میشود)، نفهمیدم زیرا حتی در روانشناسی نوین که بر پایه فلسفه مادی استوار است و بوجود خردی در آدمی بعنوان یک نیروی جداگانه روانی برای داوری نیک و بد تصدیق ندارد وجود یک آدمهای آنچنانی شناخته نیست.

از طرف دیگر بفرض وجود چنین مردمان شگفتی آیا قضاوت آنان چه ارزشی خواهد داشت آنهم در یک موضوع مربوط بتوده؟!

آقای عدل در آن قسمت از گفتار که خطاب بآقای کسروی است میگویند — مذاهب وعقاید فیلسوفان تاریکی عالم خلقت را روشن ساخته — اگر چنین است وبا اینکه حق جز یکی نیست پس اینهمه اختلافات در هریک از آنها حتی میان یکدسته از پیروان یک کیش یا یک فلسفه از کجا برخاسته؟ راستی اینست که این عارفان و فیلسوفان جز راه پندار و انکار نه پیموده‌اند وهر کس بسابقه هوس و پندار سخنانی رانده. آن سرگیجه و بهتی که بآن اشاره کرده اید نیز ناشی از این پندار بافیهای گوناگون و افسانه سازیهای رنگارنگ است که عده‌ای این آقایان بعالم بشریت میباشد.

اگر براستی مایلید از این سرگیجه بیرون آیید برادرانه بشما میگویم کتاب راه‌رستگاری تالیف آقای کسروی را بدست بیاورید و چندین بار بادقت و اندیشه بخوانید پس از این کار قول میدهم ازدامی که تار و پودش بدآموزیها میباشد وسالهاست که فکر شرقی در شبکه های پیچاپیچ آن گرفتار است رها بشوید.

آقای عدل شعرهای عاشقانه‌ای در گفتار خود آورده میگویند از اینگونه شعرها نمیتوان درگذشت.

در پاسخ این سخن‌ها نخست بایددید عشق چیست سپس درباره شعرهای عاشقانه گفتگو کرد.

اگر گفته های شاعران را، از مولوی، خیام، حافظ، سعدی تا هاتف اصفهانی باآن ترجیع بند توهین کننده بخدایش مورد بحث دقیق قرار دهید هیچگاه نخواهید توانست دریافت که این شاعران از کلمه (عشق) چه معناهایی در نظر گرفته‌اند.

عشق تمایل شدید است. عشق آدمیت است. عشق دین است. عشق حیات است. عشق زمین است. عشق کوه است. عشق دریاست. عشق هواست. عشق افلاک نه گانه است. عشق ملائکه است. عشق معرک کون است. عشق علت اول است. عشق خداست!

مداقه در این سخنان رنگارنگ که بهذیان بیماران شباهت بسیار دارد باین نتیجه میرساند که شاعر هرمعنائی که در صفحه پندارش نقش بسته و آنرا یک چیز بزرگی تصور کرده عشق پنداشته و ریشه (ع ش ق) را در نشان دادن آن بکار برده است.

شانزده خواست آزادگان

(۵)

معنی درست مشروطه آنست که مردم کشوری را که در آن می زیند خانه خود شناخته این بدانند که خوراک و نوشاک و پوشاک و دیگر دربایست های زندگانیشان از آن بدست می آید، و اینست ارج آنرا بدانند و همگی دلبسته آن باشند و کوشش بآبادی کنند و نگهداری آن را بابای خود شناسند در کشور مشروطه هر کس باید بداند که این بیست ملیون مردم یا بیشتر یا کمتر که در آن سرزمینند با یکدیگر پیمان همدستی دارند و اینست هر یکی باید، نه تنها در بند آسایش خود و خاندان خود، بلکه در بند آسایش همه توده باشد.

یک مردمی هنگامی که بپادشاه خود کامه خود میشورند و ازو مشروطه میخواهند معنای این جنبش و شورش آنست که آن مردم بیدار شده‌اند و معنی درست سررشته داری (حکومت) را فهمیده اند و اینست از یکسو بآن پادشاه می گویند: «تو برو ما خودمان این کشور را راه خواهیم برد، خودمان آنرا نگاه خواهیم داشت.» و از یکسو با یکدیگر پیمانی می بندند که دست بهم دهند و بنگهداری کشور و بآبادی آن کوشند و گذشته از کوششی که هریکی در راه تهیه زندگانی برای خاندان خود می کند، یک کوشش نیز در راه کشور بگردن گیرند و همه کار های سررشته داری را از تهیه سپاه و برپا کردن ادارات و گزاردن قانون و مانند اینها، خودشان انجام دهند.

راستی را بیست ملیون مردم پیمان همدستی می بندند که در سود وزیان وسختی و آسودگی و جنگ و آرامش شریک باشند ومثلا اگر روزی دشمنی از شمال هجوم آورد جنوبیان نگویند «بما چه» بلکه بیاری هم میهنان خود شتافته دشمن را پس زنند، همچنین اگر دشمنی از جنوب رخ نمود شمالیان بیاری شتابند. اگر یک گوشه کشور گرفتار آسیبی از زمین لرزه وخشکسالی و مانند آن گردید از دیگر جاها همدردی کنند و دستیاری بسوی آنان بازند.

این است معنی درست مشروطه و اساس آن دو چیز است: یکی آنکه مردم یک کشوری رشد پیدا کرده ومعنی درست سر رشته داری را دانسته واز خود کامگی که در واقع بردگیست بیزار گردیده اند و این است میخواهند باآزادی و سرفرازی زیند و خودشان کار های کشور را راه برند. بدینسان که نمایندگانی از میان خود بر گزیده رشته قانون گزاری و دیگر چیز ها را بدست آنان سپارند. دیگری آنکه همگی بایکدیگر یک پیمانی برای دست بهم دادن و بنگهداری و آبادی کشور کوشیدن می بندند وراستی را این «پیمان جاوید» است که ما بنام «میهن پرستی» میخوانیم وآن را یک چیز گرانمایه ای می شماریم.

این است معنی درست مشروطه و سررشته داری توده واین معنی است که میگوییم باید همگی بدانند و بفهمند و ارجش را شناسند. این معنی است که بایستی در دبیرستانها ودانشکده ها درس داده شود ولی افسوس که درسراسر درس های فرهنگ ایران کمترین پرداختی باین نشده است و همین نمونه ایست که ارزش این فرهنگ چیست.

از گله و ناله چسودی تواند بود؟!

(۱)

در این هفته بار دیگر، یکرشته، نامه ها و تلگرافهای گله و ناله از سختی خواربار و از گرسنگی و بدبختی مردم رسیده. در آذربایجان بیکبار نرخها رو ببالا نهاده می برود و هنوز در جایی نایستاده. از شرفخانه تلگراف کرده‌اند که نوزده تن از گرسنگی ناتوان گردیده‌از خود رفته اند. در تبریز در نتیجه سختی زندگی در این روز ها آدمکشیها و خودکشیهایی رخداده است.

این نامه‌ها پیاپی می‌رسد و ما نمیدانیم چکار کنیم. زیرا از یکسو می بینیم اینها راستست و یک گرانی بی اندازه ای بمردم رو آورده. در خشکسالی تنها گندم و جو و خوراک کم باشد و گران گردد. امروز هر چیزی از اندازه بیرون رفته. از یکسو هم میدانیم که از چاپ آنها در روزنامه هیچکاری نخواهد بود و جز سیاه کردن کاغذ نتیجه نخواهد داد. از این ناله ها نه آن کردان نامرد که خواربار را خریده قاچاق می‌برند دست خواهند کشید، نه آن دلالان بستنهاد که برای بیگانگان خواربار خریده انبار می‌کنند بخود خواهند آمد، نه همسایگان (یا مهمانان ما) که بپروای گرسنگی اینمردم را کمتر می کنند ترتیب اثری خواهند داد.

این یکی از نادانیهای ایرانیانست که بنوشتن در روزنامه اهمیت بی‌اندازه می‌دهند و چنین می‌پندارند که این یک راه چاره‌ای میباشد.

از آنسو ما یک نکته بزرگتر دیگری را رعایت می کنیم: چنانکه بارها گفته ایم ایرانیها شیوه خود قرار داده اند که چون آسوده اند بیباک و بی‌پروا روز گذرانند و گمان کمی و آلودگی بخود نبرند و اگر کسی کمیهای آنانرا یاد آوری کرد بی‌پروایی نمایند، بلکه بآزارش کوشند، با صد درماندگی دم از «غرور ملی» زنند و خودرا یکی از توده‌های بنام جهان شمارند، وهمینکه روز گرفتاری رسید بناله و فریاد پردازند و بزاری و فغان کوشند. این یکشیوه ایست که از سالها گرفته اند و در این راه بسیار ورزیده گردیده اند که ما می بینیم همینکه یک گرفتاری پیش می‌آید بی هیچ درنگی آواز بناله و فریاد بلند می کنند، و چون آن می گذرد چنان به بی‌پروایی می گرایند که تو گویی هیچی رخ نداده و آن کسانی که دیروز می نالیدند اینها نبوده اند.

بار ها گفته ایم این پست ترین شیوه زندگانیست وما می بینیم که اگرامروز این نامه ها و تلگرافهای گله و فریاد را که می رسد بچاپ رسانیم، راستی کمک به آن نادانی و گمراهی نموده ایم و اینان را در شیوه ناستوده خود گستاختر و دلیرتر گردانیده ایم، اینست سزا نمی بینیم که آنهارا چاپ کنیم. سزا نمی بینیم که دربرابر چنین نادانی خاموش باشیم.

اینمردم در نادانی نچندان فرو رفته‌اند که جای خاموشی باشد. اینان خود درپی کوشش نیستند و نمیگزارند دیگران نیز بکوشند. داستان آنان داستان آن دردمندان نافهم می‌باشد که نه‌تنها پروای دردمندی و بیماری خود نمی‌نمایند. نه‌تنها بدرمان نمی کوشند، بکسانیکه درپی درمانند زبان‌درازی می نمایند، به پزشکانی که‌می کوشند آزار و بدرفتاری دریغ نمی گویند.

ببینید کار بکجا کشیده که فلان مرد بستنهاد از گوشه سنقر بوزارت فرهنگ شکایت می نویسد که من حزبی برپا کرده ام. تو گویی یک گناه بزرگی برخاسته‌ام بدبخت نمی‌فهمد که امروز درهمه کشورها حزب هست وکارها در دست حزبهاست. نمی‌فهمد که همان روسها که یکسال ونیم است دربرابر دشمن بیمناکی همچون آلمان ایستاده اند این ایستادگی نتیجه کوششهای یکحزب می‌باشد. نمی‌فهمد که همان انگلیسها که امروز بیک نیم جهان فرمان می رانند کشورشان با حزب راه می‌رود. نمیداند که درهر کشوری باید خردمندان وعلاقه‌مندان دست بیکی کنند وبکراهی‌را برای اداره کردن کشور پیش گیرند، و اگر چنین دسته‌ای نباشد آن کشور دچار بدبختی خواهد گردید. ببینید تاچه اندازه درنادانی گستاخند، به بینید چه‌بیشرم و خیره‌چشمند.

این بتازگی شنیده‌ام که‌از آقای معراجی که درآمل نماینده پرچم است‌یکی از‌سران آنجا بهمان عنوان شکایت کرده. دریغا تو گویی نمایندگی یکروزنامه گناهست. دریغا تو گویی این روزنامه از کشور بیگانه می‌آید که نمایندگی آن عیب کسی باشد.

ببینید نادانی و نافهمی تا کجا رسیده. ببینید درگمراهی تاکجا پیش رفته‌اند. بجای قدردانی‌از کوششهای یکجوان میخواهند نان‌اورا ببرند. دریغ‌ازاین درماندگیها!!

ماباید امروز این نادانیهارا برخ ایرانیان بکشیم تا بدانند و بفهمند و بتکان آیند. باید بگوییم: شما حق گله و ناله از پیشامد ندارید. زیرا این گرفتاریها نتیجه آن نادانیهای خودتانست، نتیجه آن بی‌پرواییهاست. باید بفهمانیم که از این گله‌ها وفریادهای شما کمترین نتیجه دردست نخواهد بود. باید بفهمانیم که‌شما اگر میخواهید از این گرفتاریها رها گردید باید بخود آیید و بآن آلودگیهای خود چاره کنید. باید بفهمانیم‌که اگردر آرزوی زندگانی هستید باید همچون‌دیگران باما همدستی نمایید‌واین پاشیدگی و بیراهی‌راازمیان بردارید.

بمناسبت نشست یکم آبان در تبریز

آقای ضیاء مقدم

آقای ضیاء مقدم از پیشینیان پیمانیان هستند که‌ازسالها در راه آن کوشش ها نموده ودر جائی همچون مراغه که باآنکوچکی هر یکی از شیخیان وبهائیان و صوفیان ومتشرعان مرکزی درآن برای خود دارند ومایه سر کیجی مردم بدبخت هستند پیمانرارواج داده اندواین نمونه کوششهای پاکدلانه ایشان است وماامیدمندیم درسایه همین کوشش ها بزودی ریشه این دسته ها را از ایران خواهیم برانداخت.

به آقای ناصر اعتمادی سرودی

خواهش میکنم اگر حرف حسابی دارید بنویسید وبه اداره پرچم بفرستید من قول میدهم زودتر و بهتر از روز نامه استوار قم چاپ خواهند کرد.

بازی موش و گربه چرا! در گوشه‌ای تاریک وسیاه پناه بردن و بروشنائی سنگ پراندن چرا؟ مرد ومردانه باش! جلو بیا حرفی بزن وجوابی بشنو.

آبادان — ع : ع

پرچم دیروز پاسخی را که آقای شیشه گر بناصر اعتمادی بهائی داده بود بچاپ رسانیدیم. این پاسخ‌راهم آقای عیلامی داده. آری آقای ناصر سرودی‌ما بکیش بهائی ایراد های بسیاری داریم و خود آرزو مندیم که یک بهائی باما رو برو شود وبایراد های ما پاسخ دهد.

اکنون که شما بجنگ پرچم برخاسته‌اید بهتراست به‌پرسشهای ما پاسخ دهید — پاسخ دهید تا بدانیم کیشتان راستست درپایین چند پرسش را مینویسم:

۱) سید باب بسخنان مهملی که معنی ندارد پرداخته، از قبیل «بسم‌الله‌الفرید الفراد ذی‌الافراد‌الفرود .... » اینها برای چه بوده؟!.. چرا یک مرد خدایی مهمل گوید.

۲) ازو در تبریز هرچه پرسیدند گفت نمیدانم وسپس چون چوب خورد از دعوی خود برگشت وتوبه نامه نوشت که این تو به نامه را میرزا ابو الفضل کلپایگانی با دستور عبدالبهاء نشر کرده و چنین گفته میشود‌که نسخه اصل آن‌در کتابخانه مجلس است — آیا اینها دلیل دروغگویی او نیست؟!.

۳) سید باب برخاسته کتاب وشریعت آورد ولی سیزده‌سال نگذشت که‌بهاءالله برخاسته آنها را لغو نمود و خودشریعت وکتاب دیگری آورد. آیا در سیزده سال هم شریعت دیگر میگردد؟!.

٤) باب و بهاء هردو از میان ایرانیان برخاسته بودند، پس چرا بعربی پرداختند وبتقلید‌قرآن آبه بافی کردند؟! مگر وحی جز بازبان عربی نتواند‌بود؟!.

۵) باب و بهاء هردو عربی را نمیدانستند و اینست غلطهای بسیاری در گفته های آنهاست، آیا این ایرادی به آنها نیست؟!. آیا باور کردنیست که خدا کسی را برانگیزد و باری یکزبان درستی باو ندهد؟!.

٦) یک برانگیخته چون برمیخیزد باید بگمراهی های زمان خود پردازد و باآن ها نبرد کند ومردمان‌را از حقایق آگاه گرداند. چنانکه پیغمبر اسلام‌چون گمراهی زمان او بت پرستی بود بآن پرداخت ونبرد کرد تابرانداخت. گمراهی زمان باب‌وبهاء فلسفه یونان وصوفیگری و باطنیگری وعلی‌اللهیگری ودیگر کیش های گوناگون بوده. یکدام یکی‌پرداخته اند؟! یکدام یکی پاسخ داده اند؟! آیا جز از آن است که خودشان گرفتارهمان گمراهی‌ها بوده‌اند؟! بهاءالله ازصوفیگری ازفلسفه‌ازشیخیگری‌ازباطنی گری‌استفاده می کند! ودر واقع گمراهی های کهنه را در هم آمیخته‌یک گمراهی نوین پدید می آورد. بهر حال می پرسم بهاءالله یا باب که یکمترین گمراهی مردمان پاسخی نمیتوانستند و جز «دعوی» کالایی‌وجز عربی بافیهای‌غلط هنری‌نداشتند برای‌چه خدا آنها را بر انگیخته بود؟! کارهای خدا که بیهوده نتواند بود.

۷) بهاءالله دعوی خدایی کرده بگویید‌ببینیم این‌دعوی‌چه‌معنایی‌داشته؟!.. یکمرد‌ناتوانی که‌همچون دیگران‌بی‌اختیار باینجهان آمده و بی‌اختیار رفته چگونه خدا بود؟!..

شما اگر مرد بافهم وخردی هستید و در پی حقایق میباشید یا باینها پاسخ دهید و یااز گمراهی خود (و همچنین از بیفرهنگی) پشیمان گردیده براه راست درآیید.

شما‌بمن ایراد گرفته‌اید که‌چراوکالت مختاری‌را بذیرفته‌ام. خشنودم که چون هیچ ایرادی نتوانسته اید باین ایراد پرداخته‌اید. ولی بدانید که‌وکالت پیشه منست. ومن از آن‌راه‌نان میخورم. من ازخدا درخواست کرده‌ام که تازنده‌ام‌جز ازدسترنج خود زندگی ننمایم. من بهاءالله نیستم که دعوی خدایی کنم ولی روزی‌از دست بندگان خورم. این مایه‌سرفرازی منست که بااینهمه گرفتاریها ازبیشه خود دست برنمیدارم ونان‌ازاین راه میخورم.

اما داستان‌مختاری شمارا این‌نافهمی بس که از دور ایستاده ای‌وبی آنکه از چگونگی آگاه‌باشی دخالت در موضوع می کنی. توچه دانستی که داستان‌مختاری چه‌بوده؟!.. وچه‌نتیجه از آن میخواستند؟!.. چه‌دانستی‌که من و دوسه‌تن دیگری از وکیلان چه کاری‌را در آن محاکمه انجام دادیم؟!..

آگهی

چاپ‌سوم کتابچه (امروزچه باید کرد) با یک مقدمه سودمند وپیکره آقای کسروی و نامهای دیگر کتابهای‌مولف ومرامنامه «آزادگان» ازچاپ در آمدو بمعرض فروش گذارده شد بدینوسیله باطلاع آزادگان‌ونمایندگان پرچم‌در تهران وشهرستانها میرساند که در صورت لزوم به نشانی‌زیر مراجعه نمایند بها ۲ ریال

تبریز سرای کچه‌چی محمد تقی فروتن‌تک فروشی تبریز نمایندگی پرچم

راه رستگاری

کسانیکه از شهرستانها این کتاب را میخواهند می‌توانند با فرستادن ده ریال از پست از دفتر پرچم بخواهند.

صندوق پست

اهواز — آقای عطارزاده. شکایت شما از فرهنگ نچیزیست که در روزنامه بچاپ رسد. آن را بوزارت فرهنگ فرستید.

تلگراف از همدان

پرچم از سخنرانی آقای اسلامی در نشست هواداری پرچم خورسندشدیم درود ارمغانش میسازیم. اهالی آزادگان

گزارش کشور

جلسه خصوصی مجلس

پیش از ظهر دیروز بنا بود جلسه علنی مجلس شورای ملی تشکیل شود ولی چون لازم بود در باره مسائل مالی و ارزی و دادن اختیارات تام بدولت در کلیه امور اقتصادی مذاکره مفصل شود و در جلسه علنی این ممکن نبود باین جهت ساعت ۱۱ جلسه خصوصی مجلس باحضور آقای نخست‌وزیر تشکیل یافته و تا یکساعت بعد از ظهر در اطراف این امر مهم و تشخیص اینکه آیا باید بدولت اختیار تام در امور اقتصادی داد یا نه مذاکرات جریان داشت و جلسه علنی تشکیل نگردیده و بروز پنجشنبه موکول گردید.

سخن رانی در رادیوی تهران

امروز ساعت ۱۹ و ۴۵ دقیقه آقای مهندس معیر دو تامعاون اداره چغندرکاری در باب کشت چغندر در راد یو تهران سخنرانی خواهد کرد.

یك اقدام خیر

بقرار گزارش اداره فرهنگ استان آذربایجان شرقی آقای مهدی عدل یك یخچال و یك قطعه زمین در قسمت شمالی یخچال واقع در مشگین شهر را برای نوشت‌افزار دانش آموزان بی بضاعت آن شهر وقف کرده اند وزارت فرهنگ این اقدام خیر ایشان قدردانی نموده است.

از تبریز

وضعیات خواربار در تبریز روز بروز بدتر میشود از طرف دیگر اکراد با اسکناس‌های تازه چاپ که خیلی فراوان شده بخریدن خواربار هجوم آورده اند و بهر قیمت که فروشنده میگوید خریداری میکنند و بهای اجناس دیگر از چند روز پیش فوق‌العاده بالا رفته تا کار بجائی رسیده که صاحبان کالاها از فروش خود داری میکنند در واقع بول اسکناس ارزش خود را از دست داده است خدا میداند پایان کار ما بکجا خواهد رسید.

اخبار تبریز

جیره بندی نان

برای تهیه مقدمات جیره بندی نان پرسش نامه هائی باهالی توزیع شده تا پس از تعین مقدار خواربار موجودی در خانه ها و نیازمندی هر خانواده مقدار جیره معلوم و کوپن نان بآنها داده شود به کسانی که نان یا آرد موجود داشته باشند کوپن نان داده نخواهد شد

پیش آمدهای دلگداز در اثر قحطی و گرانی و بیکاری

۱ — ابراهیم نام که با حمالی و سقائی نان مادر وعیال خود را تهیه مینموده و خود شخص غیرتمند خوش اخلاقی بوده دو روز متوالی نتوانست نان بخرد روز سیم بر اثر دادو فریادی که در دکان نانوائی (عمو اوغلی واقع در مقصودیه) برای گرفتن نان نمود از دست نانوا و پا بیان کتك مفصلی خورد و فاصله دو روز فوت نمود نا وا زندانی است

۲ — مادر یکی از پیشخدمت های اداره ثبت اسناد در ناحیه ۴ تبریز در دکان نانوئی با کبریت خود را آتش زد و تحت معالجه سخت پاس آمیز قرار دارد.

۳ — چند نفر دزد داخل خانه ملکی «عجم پور واقع در کوی نوبر» شده نوکر خانه تنها در منزل بوده است و دستگیر باکارد کنتی مشغول بریدن سر آن بدبخت می شوند خوشبختانه بر اثر کندی چاقو بریدن گلوی آن بدبخت طول میکشد وظاهرا در آغاز کار درب خانه را میکوبند دزدها نوکر را رها وفرار میکنند مشارالیه تحت معالجه می باشد — از شرح ۸ فقره اتفاق مشابه دیگر صرف نظر میشود.

آگهی اختصاصی

چون تحدید حدود ۱ باب خانه جدیدالاحداث جزء پلاك ۶۳۱۶ بخش ۴ از جمله مورد تقاضای ورثه مستوفی‌الممالك که بعدا به آقای مرتضی زرین انتقال قطعی یافته است عمل نیامده

واز طرفی هم طبق ماده ۱۵ قانون هم نمیتوان عمل نمود

لذا برحسب تقاضای کتبی ایشان عملیات تحدیدی درروز ۱۹ر۹ر۲۱ ساعت ۴ قبل از ظهر الی ظهر در محل شروع و بعمل خواهد آمد

بدینوسیله بمالك و مجاورین آگهی میشود که در روز و ساعت مقرر در محل حضور بهمرسانند

تاریخ انتشار ۲۶ر۸ر۲۱

ش — ۱۲۱۲

رئیس بخش غرب ثبت املاك تهران

تازه‌ترین خبر ها

جبهه خاور — حملات نیروی محور کماکان در پیرامون کوههای صنعتی وسایر نقاط شهر استالینگراد همچنان ادامه دارد. خبرنگار خبرگزاری امریکا در گزارش خود از اینکه نیرو های محور در هجوم های اخیر خود کمتر نیرو های موتور زره بکار میبرند نکته را گوشزد ساخته و میگوید این عمل بر اثر انتقال قسمتی از زره پوشها و ارابه های جنگی به تونس و افریقا میباشد.

جبهه لیبی — در این جبهه زد و خورد بین نیروهای طرفین همچنان ادامه دارد. انگلیسها با زره پوشهای نیروی محور که وظیفه عقب داری و پوشش را انجام میدهند همچنان بزد و خورد مشغولند.

جبهه افریقای شمالی فرانسه — در این جبهه نیرو های آلمانی و امریکائی در حوالی بیزرت با یکدیگر تماس حاصل کرده و مشغول زد و خورد شده‌اند هنوز اعلامیه رسمی در اینخصوص منتشر نشده ولی اخبار واصله از منابع موثق وقوع چنین امری را تایید مینمایند.

جبهه خاور دور — بقرار اطلاع خبرگزاری انگلیس وزارت دریاداری امریکا راجع به جنگهای اخیر دریائی در منطقه جزایر سلیمان اعلامیه‌ئی انتشار داده ولی هنوز اخبار جامع و کاملی نداده است.

در این اعلامیه اشعار شده است بطوریکه در آغاز ماه جاری خبر رسید دسته‌ئی از کشتیهای جنگی دشمن در «برتانی جدید» تمرکز یافته و دشمن خیال داشت در منطقه گوادالکانال و تولاجی مواضع متصرفی مارا پس بگیرد.

در سیزدهم نوامبر پاسی از نیمه شب گذشته کشتیهای دشمن بمنطقه گوادالکانال نزدیك شدند ولی ناوکان ما در همان دم با آنها به زد و خورد پرداخت.

در طی این جنگ بود که در پایان دانیل کالاکان کشته شد. در طی جنگهائی که تا پانزدهم نوامبر بوقوع پیوسته ژاپنیها یك زره دار و سه رزمناو سنگین و دو رزمناو سبك و پنج ناوشکن و هشت کشتی سرباز بر از دست داده اند و بعلاوه بر یك زره دار و شش ناو شکن و چهار کشتی حامل نیروی آنها آسیب وارد آمده‌است.

در ظرف این سه روز جنگ تلفات نیروی دریائی امریکا هم بالغ بر شش ناو شکن و دو رزمناو و سبك گردیده است.

کوشش‌های سیاسی

ارقامی را که «ریچارد لاو» در خصوص صادرات مهمات باتحاد جماهیر شوروی که از راه شمال بآن کشور فرستاده شده در مجلس شورای انگلیس توضیح داده همواره مورد توجه عموم واقع شده است.

اظهار میشود با چهار هزار و هشتاد و چهار تانکی که برای اتحاد جماهیر شوروی فرستاده شده است ممکن بود پانزده لشکر زره پوش آلمانی را تجهیز کرد آلمان فقط بیست و پنج لشکر زره پوش دارد.

همچنین با سه هزار و پنجاه و دو هواپیما که باتحاد جماهیر شوروی تحویل داده شده آلمان میتوانست دو سپاه هوائی تشکیل دهد اکنون آلمان روی‌مرفته دارای هفت سپاه هوائی میباشد.

با هزار و سی یك دستگاه نقلیه که بکشور اتحاد جماهیر شوروی فرستاده شده ممکن بود ۲۰ لشکر پیاده نظام آلمان را تجهیز کرد.

بنا بر گفته رادیوی برازاویل ابوئه فرماندار کل افریقای استوائی فرانسه تلگرافی بژنرال دگل مخابره کرده از طرف خود واز جانب تمام اهالی افریقای استوائی افریقای فرانسه نسبت به شخص ژنرال دگل ونهضت یگانه ملی فرانسه اظهار وفاداری کرده است.

بقراری که رادیوی مراکش که تحت نظارت متفقین است خبر داده ژنرال پاتن فرمانده نیروهای امریکا در مراکش بکاخ سلطان مراکش رفته وبه سلطان اطمینان داده که آداب ورسوم مذهبی مسلمانان از هر حیث محترم شمرده خواهد شد این ملاقات در محیط دوستانه ای صورت گرفته است.

اعلامیه چینی‌ها مشعر بر آنست که در طی جنگی که در جنوب چانکتونك بوقوع پیوسته و ۴۰ تن ژاپنی با کمك نیروی هوائی در کوههای … بحمله مبادرت کرده بودند ۵ هزار انر ژاپنی کشته ویا زخمی گردیده اند.

قسمت عمده نیروی ژاپنی ها در دوازدهم نوامبر عقب نشینی کرده وبقیه هم محاصره شده است.

امشب رادیوی لندن اظهار داشت از اطلاعاتی که از الجزایر رسیده چنین بر میآید که اکنون فرمانده کل نیروی فرانسه دریاسالار دارلان را بعنوان مسئول منافع فرانسه در شمال افریقا شناخته است.

دارلان احکام مربوط بامور داخلی را صادر می کند. نویسندگان روز نامه های نیمه رسمی انگلیس وامریکا آنچه در این زمینه نگاشته اند جنبه انتقادی دارد در الجزایر گفته میشود که نظر بجهات جنگی دارلان همچنان بمقام کنونی باقی مانده‌است زیرا اولیای امور مایلند در این هنگام که رزم ادامه دارد ادارات غیر نظامی نیز مشغول کار باشند.

شماره ۸۷۶۹ — ۳۰ر۷ر۲۱

آگهی مزایده

شماره حساب ۱۲۵۴۳ — ۱۹ر۷ر۳۲۱ — ك/۳ — ۱۰۹

سه‌دانك مشاع از ششدانك ۱ باب‌خانه و ۲ باب دکان جدیدالبناء متصل بیکدیگر واقع در بخش ۲ مقابل حمام عشرت آباد قرب باغ سبزیه جزء پلاك شماره ۶۷۵۷ ملکی وارث مرحوم ابراهیم کاهید هاشم‌فرد که درجریان ثبت است و در اجاره رسمی نمیباشد.

در تاریخ ۱۶ر۹ر۲۱ سه ساعت قبل از ظهر در شعبه ۳ اجرای ثبت تهران بمزایده فروخته میشود.

ومزایده از مبلغ ۵۶۱۹ ریال شروع خواهد شد.

مالیات حراج نسبت بمازاد طلب بستانکار بعهده خریدار است.

تاریخ انتشار ۲۶ر۸ر۲۱ — ش — ۱۲۱۴

رئیس شعبه ۳ اجرای ثبت تهران — عدل

شماره ۲۳۷۲۰۸ — ۹—۵ر۸ر۲۱ — کلاسه شرطی ۱۹ر۲۶

آگهی مزایده

پلاك شماره ۳۷۶ واقعه در بخش یك آبادان خیابان خاقانی ملکی مرحوم اسدالله شیردل که به ثبت نرسیده ودر اجاره کسی هم نیست در قبال طلب آقای علی چنعان در روز پانزدهم آذر ماه ۱۳۲۱ ساعت دو قبل از ظهر دراجراء ثبت آبادان بمزایده گذارده میشود وحراج از مبلغ دوازده‌هزار ریال شروع خواهد شد این آگهی درظرف بیست روز سه نوبت منتشر میشود — تاریخ انتشار ۲۶ آبانماه ۱۳۲۱

ش ۱۲۱۱ — رئیس اداره ثبت آبادان وخرمشهر روح‌الله کیا

جای اداره — لاله‌زار کوچهٔ مهران

تلفن — ۶۰۲۹ تك شماره در همه جا ۵۰ دینار

«چاپخانه تجدد ایران»

۹۲۸۳

آگهی

آگهی تحدید حدود ثبت املاك یك قسمت از دهستان کوهپایه بخش کرج قریه فشند شماره ۳۱۴ اصلی

پیرو آگهی شماره نوبتی بموجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاك تحدید حدود شماره های زیر

۴ — ۴۷۳ — ۸۳۳ — قاسم توده وعیم سه قطعه باغ

۶ — علیمحمد و شکرالله توده وعیم یك قطعه باغ

۳۵ر۴۵ر۴۷۴ حسن‌ارمنده یکباب‌زاغه و ۱ باب عمارت و ۱ قطعه باغ

۵۷ر۶۲ر۹۱ر۳۷۴ر۸۱۹ر۸۲۰ر۸۷۱ ر۸۷۳ ر ۸۸۳ ر ۸۸۹ ر۹۷۷ر۱۰۸۳

۵۹ ر۱ر۱۲۷۴ — ابوالفضل و غیره طاحونه و عمارت و باغ و طویله‌وزمین

۷۵ امان‌الله کیان پور یکباب‌خانه

۸۵ قمرخانم یکدانگ‌مشاع «

۱۰۵ ر ۱۳۸ ر ۲۲۵ ر ۸۶۸ ر۸۹۳ شعبانعلی اصغر پور ۱ بابخانه و ۱ قطعه قلمستان و ۱ قطعه توتستان و ۲ قطعه زمین و باغ

۱۴۶ — شعبانعلی اصغر پور و غیره یك قطعه‌باغ

۱۴۸ ابوالفضل و غیره ربع دانگ‌مشاع ۱ قطعه زمین

۱۵۹ر۱۶۰ر۱۶۶ر۱۸۱ محمد علی کیان پیشه و غیره ۱ قطعه زمین و ۱ قطعه باغ و ۱ بابخانه

۱۷۵ محمد علی کیان پیشه ۱ قطعه‌زمین و زاغه و خرابه متصل بهم

۲۲۷ر۴۹۲ حسن بالکاری وغیره ۱ بابخانه و ۱ قطعه باغ

۲۳۱ جعفر گلچینی ۱ قطعه باغ

۲۴۲ر۵۵۰ خورشید خانم ۱ قطعه‌زمین و ۱ بابعمارت

۲۴۵ حسن یك دانك و نیم مشاع ۱ بابعمارت

۱۴۸ آقای صفر نصرتی یکقطعه باغ و زمین

۲۵۳ خانم صغری ۱ بابعمارت

۲۵۸ — یوسف ۱ دانك مشاع یك باب عمارت.

۲۶۰ ذبیح‌الله ۳ دانك مشاع یك باب عمارت.

۲۶۲ ذبیح‌الله ابراهیمی ۱ قطعه زمین و خرابه متصل بهم

۲۸۵ر۲۸۶ حبیب‌الله ۱ بابکاهدان و ۱ باب حیاط و طویله

۲۹۹ بانو صغری ۴ دانك مشاع ۱ باب خانه و قلمستان و باغچه متصل بهم

۳۰۰ر۶۰۴ر۶۲۱ یحیی سلطان‌پور ۱ بابخانه و ۱ قطعه زمین و ۱ قطعه باغ

۳۰۲ محمد ابراهیم سلطان پور ۱ باب خانه و باغچه

۳۰۷ حبیب الله و غیره ۱ باب عمارت و طویله

۳۱۰ — ابوالقاسم بهمن پور یکباب عمارت و طویله

۳۲۱ر۶۸۶ علی اکبر بهمن پور وغیره ۱ قطعه باغ و ۱ باب عمارت

۳۲۲ عباس پالکاری ۱ باب خانه و متعلقات آن

۳۸۳ حبیب اله بهمن‌پور یکباب خانه

۴۱۴ شعبان علی اصغر پور و غیره یك قطعه باغ

۴۹۴ معصومه خانم نیمدانك مشاع یکقطعه باغ ۵۰۴ بانو اصمك وغیره یکقطعه باغ

۵۱۲ ر۵۸۳ ر۶۱۹ سید حسین میرآقا رضائی دو قطعه زمین ویکقطعه باغ

۵۳۲ ر۶۰۳ صغری خانم دوقطعه زمین

۵۵۳ ام لیلا یکقطعه زمین‌وموقوفه ۵۸۱ سید حسین حسینی یکدانك ونیم مشاع یکقطعه‌زمین

۵۸۲ ر۶۸۰ ر۶۸۸ عباس آقا خدابخش نژاد وغیره دو قطعه زمین ویکقطعه باغ

۵۷۸ ر۷۲۲ ر۷۲۵ اصغر بهمن پور سه قطعه‌زمین

۵۹۸ حبیب اله‌یك قطعه زمین

۶۱۰ علی‌اکبر شاپوری و غیره یکقطعه

۶۱۰ حبیب اله‌سلطانپور یك‌قطعه ۶۲۴

۹۲۶ ر۹۲۷ حسن یکقطعه‌باغ ودوقطعه زمین.

۶۴۴ بانو معصومه وغیره سه دانك‌مشاع یکقطعه زمین

۶۹۰ ر۷۶۶ بانو صغری دو قطعه زمین

۷۱۶ بتول خانم یکقطعه زمین ۷۱۷ —

۹۲۸ محمد ابراهیم سلطانپور دو قطعه زمین.

۷۷۴ حبیب اله سلطانپور یکقطعه زمین

۸۰۰ غلامرضا وغیره هفت سهم مشاع یك قطعه باغچه

۸۶۳ نصراله وغیره چهاردانك مشاع ۱ باب خانه

۹۲۰ حبیب اله سلطانپور یك قطعه زمین.

۹۱۱ حبیب‌اله سلطانپور یکقطعه زمین

۹۲۲ « « «

۹۳۳ آقای یوسف یك قطعه زمین

از تاریخ ۱۶ آذر ماه ۱۳۲۱ تا تاریخ ۲۹ آذر ماه ۱۳۲۱ همه روزه ازساعت سه قبل از ظهر بترتیب (از روز ۱۶ تا روز ۲۷ آذر ماه روزی شش شماره و روز ۲۹ آذرماه یازده شماره تحدید حدود خواهد شد)

۱۲۹۸ بانو اشرف امینی فخرالدوله ۶ دانك معدن ذغال سنك

در روز سی ام آذر ماه ۱۳۲۱ از ساعت ۲ قبل‌از ظهر در محل‌شروع وبعمل خواهد آمد.

لذا بموجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاك صاحبان املاك ومجاورین شماره های فوق الذکر بوسیله این آگهی اخطار میشوند که در روز وساعت مذکور فوق در محل حضور بهمرسانند چنانچه هریك از صاحبان املاك یا نماینده قانونی آن ها در موقع تحدید حدود حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملك آن ها با حدود اظهار شده ازطرف مجاورین تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین وصاحبان املاك که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق مقررات ماده ۲۰ قانون ثبت املاك پذیرفته نخواهد شد.

ش — ۱۲۰۶

تاریخ انتشار ۱ شنبه ۲۴ آبانماه ۱۳۲۱

رئیس ثبت اسناد واملاك کرج

شیخ‌الاسلامی

آگهی مزایده

اعیانی مساحت هشت جریب هزار متری یکقطعه باغ معتب ومشجر واقع در قریه میمون آباد شهریار بلاك شماره ۱۵ اصلی ملکی آقای استاد میرزاشفائی که‌در جریان ثبت است و در اجاره کسی نمیباشد درروز دو شنبه ۶/ آذر ماه ۲۱ دوساعت قبل از ظهر درشعبه ثبت کرج بطور مزایده بفروش میرسد طالبین میتوانند در روز مزبور دراین شعبه حاضر ودر خرید شرکت نمایند ملك‌مورد مزایده‌در مقابل ۱۸۰۰ ریال وثیقه بوده و برای ۱۲۰۰ ریال اجرائیه صادر شده و فعلا مزایده از مبلغ ۲۹۶۶ر۲۰ ریال شروع میشود مالیات حراج نسبت بمازاد طلب بستانکار تعلق میگیرد بعهده خریدار است تاریخ انتشار نوبت اول ۲۶ر آبان‌ماه ش ۱۲۱۴ — ۳—۱

بیمارستان رضانور

سرویس جراحی — زایشگاه وامراض زنانه — امراض داخلی — حلق گوش و بینی امراض چشم تحت نظر متخصصین دایر و از مرضا پذیرائی مینماید بیماران بی‌بضاعت نیز کماقی‌السابق مجانا معالجه وبستری میشود پزشك نگهبان بیمارستان موقع شب نیز ازبرای مراجعات مرضا حاضر است. ۱۲—۲۰ ش ۱۱۲۷

ش — تلفون ۷۸۲۴ — تهران خیابان شاه‌رضا

آگهی حراج

یکدستگاه کمپرسور که قطعات آن از یکدیگر منفصل است در خیابان زرین نعل نزدیك کارخانه برق در محوطه فخاری حاجی غلامرضای شاه‌آبادی موجود است که‌از طرف اداره کاربردازی کل وزارت دارائی درروز شنبه ۳۰ر۸ر۲۱ سه ساعت قبل از ظهر حراج خواهد شد طالبین برای خرید کمپرسور در روز و ساعت مقرر در محل حراج حاضر گردند.

ش ۱۲۱۶ — ۲ — ۱

رئیس اداره کل کاربردازی

مصطفی ناصر

آگهی حصر وراثت از دادگاه بخش دزفول

معصومه عبده محمدی دارای شناسنامه شماره ۱۰۰۱۸ دزفول دختر محمد علی در تاریخ ۳ر۳ر۳۲۱ بشرح داد خواست شماره ۸—۲۱ حسبی با تقدیم مستندات لازمه خواستار گواهی نامه حصر وراثت گردیده و چنین توضیح داده است که عبدالمجید عبده محمدی دارای شناسنامه شماره ۱۰۰۱۷ دزفول فرزند عباس شوهر وی در تاریخ ۲۳ مهر ماه ۱۳۱۹ در دزفول اقامتگاه دائمیش مرده و وارث آن مرحوم منحصر است به هشت نفر دو عیال دائم یکی معصومه «خواهان» و دیگر خانم سلطان کوتاهی بشناسنامه شماره ۲۳۵۳۹ دختر کربلائی محمد و یك پسر موسوم به محمدعلی دارای شناسنامه ۳۸۶۵۲ و پنج دختر ۱ طاهره بشناسنامه ۳۵۴۹۶ — ۲ تماشا دارای شناسنامه شماره ۳۸۶۵۱ — ۳ طیبه بشناسنامه ۲۶۱ ۴ — هاجر دارای شناسنامه ۱۰۰۱۹ ۵ — زهرا بشناسنامه ۳۸۶۶۳ «شناسنامه همه از دزفول است» گواهانی نیز اقامه نموده که پس استماع گواهی آنان مراتب سه دفعه پی در پی ماهی یکمرتبه در مجله رسمی وزارت داد گستری وروزنامه پرچم آگهی میشود وپس از انقضاء سه ماهه ازتاریخ نشر اولین آگهی در صورت نبودن معترض و نرسیدن اعتراضی گواهی نامه مورد تقاضا داده خواهد شد ضمنا هر کس وصیت نامه از متوفی دارد در مدت سه ماه باین دادگاه بفرستند که پس از گذشتن مدت مزبوره هر وصیت نامه جز رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

۱—۳ ش ۱۲۱۸ — رئیس دادگاه بخش دزفول

مجید نور ماه

آگهی اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانك یکبابخانه به پلاك ۲ر۶۵۸۸ بخش ۲ مورد تقاضای بانو لیلی بعمل نیامده

از طرفی هم طبق ماده ۱۵ قانون هم نمی توان عمل نمود

لذا بر حسب تقاضای ایشان عملیات تحدیدی در روز ۲۱/۹/۲۱ ساعت ۴ قبل از ظهر الی ظهر در محل شروع و بعمل خواهد آمد

بدین وسیله بمالك ومجاورین آگهی میشود که در روز و ساعت مقرر در محل حضور بهم رسانند ش ۱۲۱۹

تاریخ انتشار ۲۱/۸/۲۷

رئیس بخش غرب ثبت املاك تهران

آگهی اختصاصی

چون تحدید حدود ۱ قطعه زمین بمساحت ۷۵ مترو ۷۰ سانتیمتر مربع جزء پلاك ۳۶۶۵ بخش ۳ از اراضی مورد تقاضای شهرداری که بعداً بآقای یدالله مهاجر اصفهانی انتقال قطعی یافته است بعمل نیامده

واز طرفی هم طبق ماده ۱۵ قانون هم نمی توان عمل نمود

لذا بر حسب تقاضای کتبی ایشان عملیات تحدیدی در روز ۱۹ ر ۹ ر ۲۱ ساعت ۴ قبل از ظهر الی ظهر در محل شروع وبعمل خواهد آمد

بدین وسیله بمالك ومجاورین آگهی می شود که در روز وساعت مقرر درمحل حضور بهمرسانند

تاریخ انتشار ۲۱/۸/۲۶

ش — ۱۲۱۵

رئیس بخش شمال ثبت املاك تهران

پرچم — دارنده و نویسنده: کسروی تبریزی

چرا بدایل گردن نگزاریم؟!

(۵)